

بررسی میزان مشارکت شهری در محلات شهری با تأکید بر بی تفاوتی اجتماعی (مطالعه موردی: شهرستان میمه)

نسرین قلانی^۱

دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، مربی دانشگاه فرهنگیان، شهید رجایی اصفهان، ایران.

زهرا براتی

کارشناسی ارشد جغرافیا، پژوهشگر و دبیر آموزش و پرورش، اصفهان، ایران.

مصطفی سعیدی

کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، پژوهشگر و دبیر آموزش و پرورش، اصفهان، ایران.

فصلنامه پژوهش‌های مکانی فضایی، سال هفتم، شماره دوم، پیاپی ۲۷، تابستان ۱۴۰۲، صص ۷۵ - ۹۶

چکیده

بی تفاوتی به معنای عزلت گزیدن و فقدان مشارکت در حد انتظار است. طی این فرآیند فرد از دیگران، سیستم یا عقیده خاصی فاصله می‌گیرد. در واقع بی تفاوتی اجتماعی یعنی عدم درگیری فرد در حیات اجتماعی. مقاله حاضر با هدف سنجش بی تفاوتی اجتماعی به دنبال تأثیر آن بر میزان مشارکت شهری در ابعاد اجتماعی و عمرانی در بین شهروندان شهرستان میمه است. بنابراین، در پژوهش حاضر، با در نظر گرفتن متغیرهایی مثل توجه به زیبایی شهری، اعتماد به مسئولان در طراحی شهری، نوسازی و مشارکت محلی و دولتی به سنجش آن پرداخته و از لحاظ روش‌شناسی، از روش پیمایشی و از ابزار محقق ساخته استفاده کرده‌ایم. نمونه آماری این پژوهش به لحاظ روش نمونه‌گیری در دو مرحله خوشه‌ای چندمرحله‌ای و تصادفی ساده در پنج محله، در بین چهارصد نفر از شهروندان ۱۸ تا ۶۴ سال شهرستان میمه، در سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۳۹۹، اجرا شده است. نتایج حاصل از ترکیب گویه‌ها در خصوص میزان بی تفاوتی اجتماعی، حاکی از این است که میزان بی تفاوتی در بین اکثر پاسخگویان ۵۲ درصد، در حد متوسط، ارزیابی شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین متغیر بی تفاوتی اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی رابطه وجود دارد. تفاوت در میزان مشارکت اجتماعی و مشارکت عمرانی در بین محلات تأیید شده است و بی تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان در سطح محلات متفاوت است.

واژگان کلیدی: بی تفاوتی اجتماعی، بیگانگی اجتماعی، مشارکت، فضای شهری، گرافیک شهری.

^۱ نویسنده مسئول: ghalani_n@yahoo.com

و مغایر با برخی نیازمندی‌هایشان است که به جدایی و تعلق نداشتن آنان نسبت به جامعه منجر می‌شود (تبریزی ۱۳۶۳، به نقل از فولادیان، ۱۳۹۴).

به‌طور کلی، دل‌سردی و بی‌اعتنایی افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی تحت تأثیر بیگانگی باعث ایجاد شکنندگی در ساختار اجتماعی می‌شود و اعضای شبکه اجتماعی نسبت به فرآیندهای اجتماعی بدبین و دچار بیماری ناامیدی نسبت به آینده و انزوای اجتماعی به دور از هرگونه ارتباط اجتماعی می‌شوند. بنابراین، فردی که نسبت به جامعه به‌طور عام و نظام اجتماعی-سیاسی به‌طور خاص خصومت می‌کند، احتمال دارد که از همه انواع مشارکت کناره‌گیری کند و به صف افرادی که کاملاً بی‌تفاوت‌اند بپیوندد و یا اینکه در سطوح مختلف جامعه مشارکت فعال نداشته باشد (Paxton, 1999). بنابراین، اهمیت بحث بی‌تفاوتی اجتماعی از آنجا ناشی می‌شود که رابطه فرد با محیط و جامعه شکسته می‌شود و این امر در میزان مشارکت و اعتماد به مسئولان و جامعه نقش بسزایی دارد و در جریانی مستمر، این بی‌تفاوتی اجتماعی با کاهش مشارکت اجتماعی شهری همراه می‌شود که این امر ضرورت بررسی این پژوهش را دوچندان می‌کند. مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آنها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت می‌کنند و مستقیماً یا غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی مشارکت دارند (کریمی و همکاران، ۱۳۹۵). به همین دلیل، از دیدگاه جامعه‌شناسی باید بین مشارکت در مفهوم شرکت کردن و مشارکت به‌عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) تفاوت قائل شد. مشارکت در معنای اول به گروهی خاص تعلق دارد و از داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد و در معنای دوم نشانه

بی‌تفاوتی کنشی منفعلانه است که افراد در آن از مشارکت فعال و انجام کنش‌های دگرخواهانه دوری می‌کنند و در مورد مسائل جامعه بی‌اعتنا می‌شوند (فیض‌اللهی و کمریگی، ۱۴۰۰). این امر به‌عنوان یکی از پدیده‌های اجتماعی در فرهنگ اکثر کشورهای دنیا در قالب مسئله‌ای اجتماعی شناخته شده و عمومیت پیدا کرده است. کناره‌گیری افراد و بی‌توجهی آنها نسبت به محیط اطراف و دل‌سردی و بیگانگی نسبت به مسائل اجتماعی از موضوعاتی‌اند که بسیاری از اندیشمندان اجتماعی در محافل اجتماعی و سیاسی به آن توجه بسیاری کرده‌اند. از نظر این گروه توده مردم در فراگردهای اجتماعی به تأثیرگذاری بر رویدادها و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی تمایل چندانی ندارند، به‌طوری که در قالب واحدهای منفعل اجتماعی، فاقد اعتمادبه‌نفس و جهت‌گیری کلی جمع‌اند (شهاب سامانی، ۱۳۹۵). توجه جامعه‌شناسان عمدتاً به تبیین و تشریح چگونگی مخدوش شدن روابط اجتماعی و حالات و خصوصیات منفصلانه و پرخاشگرانه فرد در قبال جامعه و همچنین تأکید آنان بر بیگانگی اجتماعی و انومی اجتماعی است که در آن احساسات فرد نسبت به واقعیت‌های اجتماعی (جامعه، نهادها، عوامل فرهنگی، امور اجتماعی و...) سنجیده می‌شود. همچنین بر نقش عوامل بیرونی و واقعیت‌های اجتماعی در بروز بیگانگی تأکید می‌شود. با آنکه بیگانگی دارای موضوعات متعدد و متنوعی است، جامعه‌شناسان، عمدتاً، به بررسی بیگانگی اجتماعی، بیگانگی سیاسی و بیگانگی از کار رغبت نشان می‌دهند که مهم‌ترین آن بیگانگی اجتماعی است. یعنی: حالتی برای افراد که احساس می‌کنند نظام اجتماعی‌ای که در آن زندگی می‌کنند، خردکننده

می‌دهد که در گروه فعالانه شرکت می‌کند و بر فعالیت اجتماعی انجام‌شده تأکید دارد. مشارکت می‌تواند شکل‌ها و درجات گوناگونی، نظیر همکاری، همیاری، همبستگی، انطباق، سازگاری، پذیرش، انقیاد، شیفتگی، ایفای نقش اجتماعی و انجام وظایفی باشد که با این نقش‌ها ملازمت دارند و مبین مشارکت معمولی و ارتجالی‌گونه در حیات اجتماعی‌اند. اگرچه شاتزو مشارکت را درگیری مستقیم مردم در تصمیم‌گیری‌ها از طریق یک سری مکانیسم رسمی یا غیررسمی می‌داند (Schatzow, 1977)، اما در مفهومی کلی، ایفای این نقش‌ها تجلی اراده انسان‌ها جهت تعلق به جمع و یکپارچگی و یگانگی با آنهاست. در تعریفی جامع می‌توان این‌گونه بیان داشت که مشارکت حاصل روندی پویاست که در آن فرد خواسته‌های واقعی جامعه خود را به‌درستی می‌شناسد و نه تنها هدف خود را با اهداف جامعه هم‌سو می‌یابد، بلکه فعالیت خود و جامعه را بدون هیچ‌گونه احساس فشار با هم می‌آمیزد و نسبت به این آمیزش احساس تعهد می‌کند. به عبارتی، این عمل از واکنش‌هایی برگرفته می‌شود که در بیرون از مجموعه خصوصاً روی می‌دهند تا فعالیت‌های روزانه سازگار و ترتیب یابند و آنچه فرد باید انجام دهد، تکمیل می‌کند (Degler, 1998). این امر مشارکت‌های عمرانی را در دو حوزه زیبایی شهر و نوسازی در بین شهروندان افزایش می‌دهد. در حوزه زیبایی شهری بیشتر به المان‌های شهری یا مبلمان شهری توجه می‌شود؛ مبلمان شهری با مفهوم تجهیزات شهری همراه است که خیابان یا فضای باز اصطلاحات رایج این تسهیلات و امکانات‌اند. این تسهیلات در انگلستان بیشتر به (مبلمان خیابانی) و در آمریکا به (مبلمان همگانی) یا (مبلمان فضای باز) معروف‌اند (مرتضایی، ۱۳۸۱). به‌طور کلی، به مجموعه

امکاناتی که در شهرها، خیابان‌ها، میدان‌ها، پارک‌ها و فضای باز شهری، جهت استفاده عمومی، نصب شده‌اند، اطلاق می‌شود. از جمله: نیمکت‌ها، باجه‌های تلفن، صندوق‌های پستی، سطل‌های زباله، ایستگاه اتوبوس، ایستگاه تاکسی، سرپناه‌ها و نشست‌گاه‌ها و... که در مکان‌های مناسب شهری و متناسب با نحوه استفاده به‌منظور برقراری راحتی، زیبایی و آرامش، رفاه و امنیت شهری قرار گرفته‌اند. با توجه به ارتباط این مفهوم با بی‌تفاوتی اجتماعی در پژوهش حاضر، بررسی میزان آرامش شهروندان در فضای شهری در پژوهش ضروری به نظر می‌رسد. به تعبیر دیگر، مبلمان شهری به نماد تندیس اطلاق می‌شود که در شهر، خیابان و فضای باز، که محل استفاده عموم است، نصب می‌شود. از یک‌سو، آنچه در فضاهای عمومی شهر نصب می‌شود، در زمره مبلمان شهری قرار دارد و ازسوی دیگر، با ورود گردشگر، مسافر و حتی شهروندان می‌تواند آن تصویر خاصی از شهر را که در ذهن فرد ثبت می‌شود، تأثیری از فضای مبلمان شهری دانست. این فضا‌سازی یا مبلمان شهری در این مقاله در بعد نوسازی از مشارکت عمرانی بررسی شده است. به‌طور کلی فضای شهری، توجه به عناصر سازنده سیمای شهر است که این عناصر عبارت‌اند از: راه، لبه، نشانه، گره و محله (لینچ، ۱۳۸۳)؛ زیرا راه عاملی برای حرکت بالفعل یا بالقوه شهروندان است که شامل: خیابان، پیاده‌رو، جاده، خطوط زیرزمینی، تراموا و یا راه‌آهن است و مردم با حرکت در فضای شهر به مشاهده آن‌ها می‌پردازند و در امتداد راه‌ها در معرض عوامل محیط‌های گوناگون قرار می‌گیرند و با یکدیگر بستگی و ارتباط برقرار می‌کنند (شکوئی، ۱۳۹۵). بنابراین، در طراحی شهری بیشترین وقت و انرژی و مهم‌ترین عنصر و پارامتر مؤثر در پروژه‌های طراحی

شهری ایجاد راه‌ها، مسیرها، محورهای ارتباطی (پیاده، سواره و تلفیقی) و طراحی ساختمان‌هاست. بر این اساس، پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این سؤالات است:

- تا چه حد بی‌تفاوتی اجتماعی بر مشارکت در بخش عمرانی در شهرستان میمه تأثیر دارد؟

- آیا میزان مشارکت شهروندان در بخش عمرانی و اجتماعی در مناطق شش‌گانه شهرستان میمه متفاوت است؟

- تا چه حد شهروندان به طراحی شهر (مبلمان شهری) در سطح شهر اهمیت می‌دهند؟

مبانی نظری

فضای شهری

شهرها به‌عنوان یکی از عرصه‌های فعالیت‌های اجتماعی انسان معاصر، محیط فرد را به‌عنوان یک سیستم شکل می‌دهند که البته محیط نیز به‌عنوان محصول یک سیستم فراگیر اجتماعی قابل شناسایی است. طبق دیدگاه زیمل جامعه اساساً محصول کنش و واکنش‌های بی‌وقفه افراد است (Smit, 2012). این کنش و واکنش‌ها به پدیده‌ای به نام فضای شهری منجر می‌شود که یکی از عناصر ساخت فضایی و هویت بخش شهر است که همراه با تاریخ یک ملت در ادوار مختلف به وجود می‌آید و دگرگونی در آن رخ می‌دهد. به این ترتیب بخشی از فعالیت‌های اجتماعی، گذران اوقات فراغت و تبادل اطلاعات و تجربه‌ها از طریق تماس‌های چهره‌به‌چهره در این فضا صورت می‌گیرد؛ فضاهایی اعم از کوچه‌ها، خیابان‌ها و دروازه‌ها که بستر شکل‌گیری خاطره‌ها هستند. والتر بنیامین شهر را کتابی حماسی می‌خواند که خوانشی از پرسه‌زنی (فلانتور) یک انسان در شهر با لایه‌های متعددی از گذشته در مقابل دیدگان شهرنشینان قرار می‌گرفت. همچنین

مأمور در ارتباط میان زمان و فضای شهری تأکید می‌کند. شهرهایی که محصول زمان بوده‌اند و مثل قالبی، حیات متمدنی انسان در آنها منجمد می‌شود. آلدوی روسی هم شهر را بایگانی‌ای از خاطرات شخصی و جمعی می‌داند که پیشامدهای انسانی در لایه‌های مختلف در آن ثبت می‌شوند. وقتی از شهر صحبت می‌شود، جای‌جای آن مملو از فضاهایی است که صور خیالی شهروندان در آن‌ها نقش بسته است. در واقع خاطره به حال آوردن گذشته یا تجربه‌ای مشترک است و خیال به‌عنوان عاملی در ایجاد خاطره‌ای جدید و زمان شکل می‌گیرد که فضای آن جاری باشد، مانند زندگی روزانه^۱ (پورزکریا، ۱۳۹۷). بنابراین، فضا زائیده مناسبات اجتماعی است که به شکل‌گیری مکان‌هایی با ترکیبی از نظام طبیعی و انسانی با عنوان خصیصه‌های مکانی منجر می‌شود. برخی از این خصیصه‌های مکانی، که اگر به‌درستی نقش خود را ایفا نکنند، به بی‌تفاوتی شهروندان در فضای شهری، در قالب‌های ذیل، منجر می‌شود، عبارت‌اند از:

۱- روح مکان: که قبل از هر چیز ابتدا در چشم‌انداز آن بازتاب می‌یابد و ارزش‌ها، فعالیت‌ها و هدف‌های انسانی را به نمایش می‌گذارد؛

۲- ریشه در مکان: همان بخشی از فضا که نیازهای اساسی و امنیت افراد را تأمین می‌کند؛

۳- مکان و زمان: عدم تغییر هم‌زمان مکان با خواسته‌های افراد، به تغییر و دگرگونی در نگرش‌ها، ارزش‌ها و هدف‌های دوره و ویژه‌ای منجر می‌شود؛

۴- غربت‌زدگی و مکان: وابستگی به مکان‌های علایقی را در انسان به وجود می‌آورد و دوری از آن، دلتنگی، افسردگی و پاره‌ای از امراض را سبب می‌شود.

۱. زمانی که افراد برحسب زندگی روزانه در فضای شهری، برای خود و دیگران خاطره جمعی ایجاد می‌کنند.

آنچه به فضا و خصیصه‌های مکانی نظم می‌دهد (شکویی، ۱۳۹۹)، توجه به گرافیک شهری است؛ همان بخشی از هنرِ سازمان دادن به فضای شهری که با رشته‌های مختلف علمی و هنری، مانند برنامه‌ریزی شهری، معماری و منظرسازی و غیره همراه است. در این فرآیند رنگ‌ها در فضا با هدف ایجاد ارتباط تصویری مناسب میان شهروندان از جمله نماهای ساختمان‌ها، آب‌نماها، علائم رانندگی، طراحی مکانی، علائم هشدار، علائم اطلاع‌رسانی و... مستقیماً یا غیرمستقیم نقش مهمی دارند و ناهمگونی بصری رنگی، بی‌توجهی به ارزش‌های تاریخی و کالبد هویتی و فرهنگ یک شهر در طراحی بخش‌های گوناگون آن، تداخل عملکردها و... سبب شکل‌گیری فضاهای ناخوشایند برای کار و زندگی و در نتیجه زمینه شکل‌گیری بی‌تفاوتی اجتماعی می‌شود (رضایی و همکاران، ۱۳۹۹). بنابراین، می‌توان این‌گونه بیان کرد که فضای شهری خود عاملی برای بی‌تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان و بالعکس بی‌تفاوتی اجتماعی عاملی بر عدم شکل‌گیری فضای شهری و کاهش مشارکت شهروندان در امور شهری است.

مشارکت شهری

مشارکت در معنای لغوی، همکاری کردن و درگیر شدن در یک فعالیت است (Oxford, 2008). مشارکت شهری شهروندان، حضور جدی و شرکت فعال، آگاهانه، ارادی، مؤثر و سازمان‌یافته عناصر جامعه شهری (افراد، خانواده‌ها، گروه‌ها، نهادها و بخش‌های دولتی، عمومی و خصوصی) در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی زندگی شهری برای دستیابی به اهداف جمعی است. به‌طور کلی، این فرآیند علاوه بر دستیابی به اهداف جمعی به افزایش عزت‌نفس، تعامل اجتماعی، کسب تجربه

و مهارت‌های مشارکت‌کنندگان نیز منجر می‌شود (Charuvichaipong al et, 2006). در جامعه‌شناسی شهری مشارکت وسیله تبدیل شهرنشینان بی‌تفاوت به شهروندان صاحب حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی است (farks, 2000). حقی که منعکس‌کننده نقش فردی اعضای یک جامعه نسبت به یکدیگر است و با اجتماعی شدن انسان، مسئولیت او را افزایش می‌دهد و به تعیین حدود قانونی برای دستیابی به آن منجر می‌شود (Macdonald, 2000). به دیگر بیان، مشارکت فرآیندی است که با کمک آن مردم بر ساختارها، سازمان‌ها و مسئولان تأثیر می‌گذارند تا خدمات شهری مناسب در اختیارشان نهاده شود. بنابراین، مشارکت باعث افزایش ظرفیت مردم در اداره امور محلی بوده و به‌نوعی با توانمندسازی شهروندان مرده یا همان بی‌تفاوت همراه است (Schuler, 1996).

بی‌تفاوتی اجتماعی

پدیده‌های اجتماعی تک‌علتی نیستند، زمانی که جامعه آنومیک یا آشفته می‌شود با جریانی روبه‌رو می‌شویم که بیشتر در فرآیند گذر شتابان از جامعه پیش‌مدرن به مدرن و در نتیجه جریان‌های نوسازی پدید می‌آید (دورکیم، ۱۴۰۱)

آشفته‌گی در این زمان همراه با تعارضی است که به از بین رفتن تعهد اجتماعی در بین شهروندان منجر می‌شود؛ تعهدی که خود در وابستگی و ارتباط عاطفی به جمع، و احساس عضویت در جمعی ریشه دارد که در زمان این آنومی در جامعه تناقض محسوب می‌شود و به‌مرور از بین می‌رود (Manch, 1998). نبود این وابستگی و ارتباط عاطفی «افسردگی اجتماعی» را به وجود می‌آورد که ادامه این فرآیند به پدید آمدن «بی‌تفاوتی اجتماعی» منجر می‌شود. بی‌تفاوتی اجتماعی، نوعی احساس جدایی ذهنی (شناختی) و عینی (کنشی) میان

مشارکت فعالانه شهروندان در شرایطی آزاد و برابر صورت می‌گیرد. نبود حوزه‌های مرزبندی‌شده و احساس عدم برابری مشارکت در جامعه، شرایط بی‌تفاوتی را در شهروندان افزایش می‌دهد. دیدگاه هابرماس در عقیده دیوید رابینزمن قابل تبیین است؛ وی معتقد است که الگوهای اجتماعی‌کننده جامعه، مسئول از خودبیبگانگی فردند، چراکه این الگوها در جامعه مدرن به‌گونه‌ای است که فرد را بیش از آنکه متوجه خود کند، تحت راهنمایی‌های دیگران درمی‌آورد؛ یعنی به فرد همواره توصیه می‌شود که برای رفتار و کرداری معقول و مطلوب به دیگران بنگرد. در چنین شرایطی، فرد ارتباط بنیادی را با خویش گم می‌کند و دچار نوعی «بحران هویت» می‌شود که نتیجه آن کاهش مشارکت فرد در امور جامعه است. بدین طریق فرد ماهیت رهبری‌کننده و آموزنده خود را از دست می‌دهد. در این شرایط انسان به موجودی تبدیل می‌شود که از هرگونه فعالیت در راه تحول اجتماعی جامعه روگردان می‌شود و به امیال شخصی و مصرفی رو می‌آورد (Marshall, 2004). نظریه پردازان معاصر، در قالب نظریه‌های نسبتاً تجربی‌تر، عوامل مؤثر در بروز بی‌تفاوتی را در جامعه شناسایی کرده‌اند. استرلین تبیینی اقتصادی و جمعیت‌شناختی از بی‌تفاوتی ارائه کرده و معتقد است که تمایلات و روندها در ارتباط با بی‌تفاوتی اجتماعی تا اندازه‌ای تابع تغییرپذیری نسلی در زمینه بهزیستی و رفاه اقتصادی است. در نظر لیپست (۱۹۶۳) و لرنر بی‌تفاوتی اجتماعی در نقطه مقابل مشارکت اجتماعی قرار می‌گیرد و متغیرهای اجتماعی در آن دارای محوریت و اهمیت فراوانی‌اند (Mutz, 2005). این شرایط می‌تواند احساس بی‌قدرتی را در شهروندان ایجاد کند که طبق نظر سیلورمن، جهت کاهش احساس بی‌قدرتی

فرد با نهادها و ساختارهای اجتماعی نظیر سیاست، خانواده و مذهب است؛ به‌گونه‌ای که خود را از نهادها جدا می‌بیند و فکر می‌کند در اصلاح نهادها و ساختارهای اجتماعی فردی بی‌اثر است. در وضعیت بی‌تفاوتی، فرد احساس تعلق گروهی ندارد و نفع جمعی را به نفع فردی ترجیح نمی‌دهد، در صورتی که فرد خود عضو از جمع است و نفع جمع نفع خود وی نیز هست (سفیری و حجتی کرمانی، ۱۳۹۹). زیمل بر این نظر است که زندگی شهری در شهرهای بزرگ (مادرشهرها)، موجب فردگرایی، تقسیم کار، تخصص و غلبه روح عینی بر روح ذهنی می‌شود و انسان را به سوی از خودبیبگانگی سوق می‌دهد. از نظر وی، از خودبیبگانگی عامل اصلی سرگردانی انسان در جوامع جدید است (ستوده، ۱۳۹۲). زمانی که شرایط مشارکت شهروندان کاهش پیدا کند، در امور و مسائل شهری، بی‌تفاوتی اجتماعی ایجاد می‌شود؛ به‌طوری که تناسب پاسخ‌گویی و انطباق‌پذیری مدیریت شهرها شدیداً به روابط آن اجتماع بستگی دارد تا واقعیت‌ها، ایده‌ها، تقاضاها و پیشنهادهای بتوانند درون نهادهای رسمی انتقال یابند. از سوی دیگر، کم‌توجهی به مفهوم شهروند و نقش آن در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری باعث کم‌اهمیت شدن مشارکت و افزایش بی‌تفاوتی اجتماعی در حوزه‌های شهری می‌شود. در نظریه شهروندی هابرماس، که بر مبنای فلسفه سیاسی هابرماسی است، بر حوزه‌های عمومی و جامعه مدنی تأکید شده است که این کاربست از طریق عقلانیت بینادهنی، کنش ارتباطی، تفاهمی و توافقی رخ می‌دهد و نتیجه آن تجلی شهروندی گفت‌وگویی است (Courtis, 2000). این حوزه گفت‌مانی یا گفت‌وگویی حائلی است میان دولت و حوزه خصوصی زندگی افراد که در آن تصمیم‌گیری‌های جمعی از طریق

و بی تفاوتی شهروندان در فعالیت‌های اجتماعی، استفاده از برنامه‌های مشارکتی داوطلبانه‌گرایی و سازوکارهایی مثل نشست‌های عمومی سالانه، برگزاری همه‌پرسی‌های عمومی در مورد موضوعات عمومی مؤثر است (silverman, 2006). همچنین نظریه‌پردازان محرومیت نسبی، در تبیین میزان بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان در امور شهری، مبنای کار خود را بر مفهوم مقایسهٔ موقعیت فرد با موقعیت افرادی دیگر در سایر گروه‌ها و دسته‌های انسانی قرار داده‌اند. تدگار معتقد است برخی افراد در شرایطی که مشکلات و گرفتاری‌های روزمره برایشان به نحو چشمگیری اهمیت یابد، نوعی فردگرایی، نسبت به مسائل بیرونی، بر رفتار آنان حاکم می‌شود، به طوری که به نارضایتی و بی‌تفاوتی خواهند رسید (Edwards, 1973). Booth & مک کله‌لند^۱، کاهش محرومیت شهروندان را نتیجهٔ برنامه‌ریزی مدیران در ایجاد محیط مناسب مانند اعطای آزادی عمل نسبی در انجام کارها، افزایش مسئولیت و... می‌داند، به طوری که این عوامل انگیزه را در افراد برای ایجاد مشارکت در امور ترغیب و فرد را از فردگرایی دور می‌کند (Lee, 2006).

پیشینهٔ پژوهش

– جسیکا و لیندسی^۲ (۲۰۱۸) پژوهشی را با عنوان «انزوای اجتماعی و تنهایی در زندگی بعدی A»، با استفاده از روش ترکیبی و روش موازی هم‌گرا بر روی افراد بزرگسال، در منطقهٔ مسکونی مورد مطالعه در شهر میناپالیس آمریکا، انجام داده‌اند. نتایج پژوهش نشان داده است: کسانی که دارای وضعیت اقتصادی و اجتماعی بالاتری بوده‌اند و کسانی که تنهایی زندگی می‌کرده‌اند و کسانی که به مرکز شهر نزدیک‌تر بوده‌اند، کمتر احساس منزوی بودن داشته‌اند.

1. McClelland
2. Jessica and Lindsay

– رابین و همکاران^۳ (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای با عنوان «پیش‌بینی تفاوت‌های فردی در سیستم اجتماعی، شناسایی شهر و ارزیابی در شهرهای استرالیا، فرانسه و ترکیه»، ساکنان چهار شهر از سه کشور را بررسی کردند. نتایج نشان داده است که در هر نمونه شهر و در میان نمونه‌های ترکیبی، معیار خاصی از جمع‌گرایی به‌عنوان یک پنداشت درونی وابسته به ارزیابی شهر است. به‌علاوه، شناسایی شهر رابطهٔ بین پنداشت متقابل گروهی و ارزیابی شهر را میانجی‌گری می‌کند. بر این اساس گرایش‌های کلی مردم به تفسیر گروه‌های اجتماعی، به‌عنوان بخشی از خود آن‌ها، شناسایی آن‌ها را با شهر خود پیش‌بینی می‌کند و به ارزیابی مثبت از شهر خودشان کمک می‌کند که نشان‌دهندهٔ تأثیر دیدگاه روان‌شناسی محیطی و اجتماعی است.

مورتی و پانب^۴ (۲۰۱۳) مطالعه‌ای را با عنوان «بی‌تفاوتی نسبت به مسائل محیط‌زیست، خودشیفتگی و دیدگاه رقابتی جهان در جاکارترای اندونزی» بر روی ۲۲۵ دانشجوی، از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده، از چندین رشتهٔ دانشگاهی، انجام داده‌اند. نتایج تحلیل مسیر نشان داده است که خودشیفتگی به‌طور غیرمستقیم، با توجه به دیدگاه رقابتی جهان، بی‌نظمی را نسبت به محیط‌زیست پیش‌بینی می‌کند.

– سرفراز و احمد^۵ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «نقش پایگاه اقتصادی-اجتماعی و مشارکت سیاسی در ایجاد بی‌تفاوتی در بین جوانان» به این نتیجه دست یافته‌اند که بین جنس، سن، تحصیلات والدین و مشارکت سیاسی با بی‌تفاوتی رابطهٔ معناداری وجود دارد.

– مانینگ^۶ (۲۰۱۴) با بررسی بی‌تفاوتی جوانان و عدم مشارکت سیاسی آن‌ها در سیاست آورده است که

3. Rubin et al.
4. Murty and Paneb
5. Sarfaraz, Ayesha, ahmed, shahla
6. Manning .N

عوامل زمینه‌ساز بروز بی‌تفاوتی عبارت‌اند از: گرایش متعصبانه به یک حزب، نقش مهم دوستان و خانواده در پرورش و حفظ تعهدها، احساس از خودبیگانگی، بی‌توجهی، بدبینی و اثربخشی سیاسی کم.

- آنتونیو و یانگ^۱ (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با بررسی تأثیر دوره تصدی بر بی‌تفاوتی کارکنان، به این نتیجه رسیده‌اند که کارکنان دارای سابقه کار شانزده سال یا بیشتر، بی‌تفاوتی کمتری داشته‌اند. یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل چندمتغیره در این پژوهش نشان داده است که ویژگی‌های پاسخ‌دهنده از جمله دوره تصدی و رسته شغلی پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری از بی‌تفاوتی کارکنان نسبت به عوامل محیطی (که شامل: استرس در محل کار، پشتیبانی، سرپرستی و...) مرتبط با زندان بوده است.

- بوون^۲ (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با بررسی رابطه بین سرمایه ساختاری و بی‌تفاوتی، به این نتیجه رسیده است که افزایش سرمایه ارتباطی، یعنی افزایش اعتماد بین گروهی و ایجاد هویت مشترک در بین کارکنان، سبب می‌شود که آن‌ها در کسب اهداف سازمانی موفق‌تر عمل کنند و به سازمان خود وفادار و متعهد باشند.

- علی فیض‌اللهی و خلیل کمربگی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «ریشه‌ها و پیامدهای پدیده بی‌تفاوتی اجتماعی: مطالعه موردی شهروندان استان ایلام» با استفاده از روش کیفی و مبتنی بر رهیافت نظری و مصاحبه با ۸۴ نفر از صاحب‌نظران و متخصصان با کدگذاری استروس و کوربین، در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی به مفاهیمی، مثل غفلت از نقش شهروندان، نوع ساختار سیاسی، توقع‌های فزاینده، فردگرایی خودخواهانه، زوال

وفاداری جمعی، بده‌بستان اجتماعی، برابری اجتماعی و اقتصادی و انباشتگی فقر و فلاکت در داده‌های علی و مفاهیمی مثل تبلی اجتماعی، ضعف در ابراز وجود، اقتصادزدگی فرهنگ، شکاف قانونی، نارسایی نظام تربیتی، آشفتگی سنت، خویشاوندگرایی، کم‌کارایی تشکلهای مدنی و انزوایابی به‌عنوان شرایط زمینه‌ای، و مفاهیمی مثل ناکارآمدی دولت، همبستگی اجتماعی و کژکارکردی رسانه‌ها به‌عنوان شرایط مداخله‌گر دست یافته‌اند. بر پایه یافته‌های پژوهش در این مقاله «بی‌سازمانی اجتماعی» به‌عنوان هسته اصلی پژوهش به دست آمده که حاصل شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر بوده است.

- علی فیض‌اللهی و خلیل کمربگی (۱۴۰۰) در طرح مطالعاتی ملی-استانی با عنوان «پیمایش بی‌تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان استان ایلام؛ با استفاده از روش کمی و نمونه‌گیری تصادفی ساده از نمونه ۴۰۰ نفری از جامعه آماری استان ایلام» به این نتیجه دست یافته‌اند که تنها کمتر از یک‌سوم ساکنان استان ایلام به آینده خوش بین‌اند و بر این نظرند که وضع بهتر خواهد شد. ۱۸ درصد از پاسخگویان بر این نظر بوده‌اند که برای مراقبت از فرزندان‌شان می‌توانند تا اندازه زیادی به کمک همسایگان امیدوار باشند، بیش از دوسوم از پاسخگویان گفته بودند که در ماه گذشته، هیچ کمک ملی‌ای به هیچ سازمان یا مؤسسه خیریه‌ای نداشته‌اند. ۹۲ درصد عضو هیچ اتحادیه و انجمن صنفی و ۹۴ درصد عضو هیچ سازمان مردم‌نهادی نبوده‌اند.

- موسی عنبری و سارا غلامیان (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با بی‌تفاوتی اجتماعی» موضوع بی‌تفاوتی را با روش پیمایشی در میان ساکنان بالای ۱۸ سال دو منطقه شهری (محلۀ قزل‌قلعه، منطقه ۶ تهران) و روستای (نظام‌آباد

1. Antonio & Yang
2. Boan

اسلام‌شهر) بررسی کرده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داده است که بی‌تفاوتی اجتماعی بیش از آنکه به عوامل و متغیرهای فردی نسبت داده شود، تابعی از ادراک و تفسیرهای اجتماعی افراد، خاصه میزان اعتماد عمومی، رضایت اجتماعی، حس بی‌هنجاری در جامعه، تقدیرگرایی و احساس بی‌عدالتی بوده است و اثرگذارترین متغیرها «بی‌اعتمادی» در جامعه شهری و «نارضایتی اجتماعی» در جامعه روستایی بوده است. با این معنا که افراد با بی‌تفاوتی بالاتر، در مقایسه با دیگران، جامعه را بی‌هنجارتر و قانون‌گریزتر دیده‌اند و در مقابل هرچه اعتماد ایشان به جامعه، سازمان‌ها و گروه‌ها بیشتر شده، از فرآیندهای اجتماعی راضی‌تر بوده‌اند. در مجموع نتایج به‌دست‌آمده این بود که «بی‌اعتمادی» و «نارضایتی» خود به‌مثابه شاخص هم‌گرا با بی‌تفاوتی در بین شهروندان جامعه عمل می‌کند.

- علیرضا محسنی تبریزی و مجتبی صدقاتی فرد (۱۳۹۰) در پژوهشی به نام «بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران (مورد پژوهش: شهروندان تهرانی)» فرضیه‌هایی را در مورد بی‌تفاوتی اجتماعی در شهر تهران به آزمون نهاده‌اند. این پژوهش با روش پیمایش و نمونه با حجم ۸۵۰ نفر در شهر تهران انجام گرفته که به نتایج ذیل منجر شده است:

میان متغیرهای قومیت، شغل و تحصیلات از صفات زمینه‌ای تفاوت وجود دارد و بین تمامی متغیرهای مستقل اصلی یعنی بی‌هنجاری، اعتماد اجتماعی، اثربخشی اجتماعی، رضایت اجتماعی، محرومیت نسبی، فردگرایی، تحلیل هزینه پاداش و التزام مدنی با بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

- محمد صالحی فرد و دانا علی‌زاده (۱۳۹۰) در پژوهشی به نام «بررسی اثرات مشارکت شهروندان در بهبود خدمات شهری، با تأکید بر بازارهای روز در

مشهد» ضمن تشریح ابعاد پیدا و پنهان مشارکت‌های شهروندی در ایجاد و نگهداری بازارهای روز میوه و تره‌بار، نحوه مداخله شهروندان و تعامل آنها با شهرداری بررسی شده است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی با اتکا به مطالعات پیمایشی و میدانی و تحلیل ثانویه بوده است. نتایج گویای آن است که:

۱- میزان مراجعه و خرید شهروندان کلان‌شهر مشهد از ۴۸ درصد در سال ۱۳۸۵ به بیش از ۶۵ درصد در حال حاضر افزایش یافته که بدون شک یکی از مهم‌ترین دلایل آن توجه مسئولان و مدیران شهری و شهرداری به خواسته‌های شهروندان و بسترسازی جهت مشارکت شهروندان در پروژه مکان‌یابی، احداث و بهره‌برداری از بازارهای روز بوده است؛

۲- براساس مشاهده‌های میدانی در سال جاری نسبت به سال ۱۳۸۵، مشارکت شهروندان در فرایند استانداردسازی خدمات شهری به‌ویژه در بازارهای روز به بهبود خدمات این بازارها به مشارکت‌های شهروندی در قالب کمک‌های فکری و فنی، کمک‌های مالی، همکاری در اجرا، مشارکت در سرمایه‌گذاری و... بوده است؛

۳- میزان مشارکت شهروندان در خصوص بازارروز در مناطق شهری شهر مشهد متفاوت است، به‌نحوی که مناطق ۱، ۲ و ۱۰ حداکثر مشارکت و مناطق ۳، ۸، ۹ و ۱۱ دارای مشارکت متوسط و سایر مناطق دارای حداقل مشارکت بوده‌اند.

- علیزاده اقدم، محمد باقر و همکاران (۱۳۸۹) موضوعی با عنوان «نهادهای شهری و مشارکت شهروندان در امور شهری» را با روش پیمایشی و نمونه ۷۰۰ نفری به شیوه نمونه‌گیری چندمرحله‌ای بررسی کرده‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که بیشتر شهروندان اصفهانی، در امور شهری، مشارکت بالایی

دارند و بین اعتماد و رضایتمندی با مشارکت و کاهش بی تفاوتی در شهر رابطه وجود دارد. همچنین عملکرد نهادهای شهری بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری تأثیرگذار بوده است.

با توجه به مطالب مطرح شده و پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه بی تفاوتی اجتماعی و مشارکت شهری، نقطه مشترک پژوهش‌های انجام شده با پژوهش حاضر، تأثیر اهمیت شهر و فضای شهری بر شرایط ارتباطی شهروندان است، به این معنا که فضای شهر در بی تفاوتی اجتماعی مؤثر است، همانند پژوهش‌های جسیکا و لیندسی^۱ (۲۰۱۸)، رایین و همکاران^۲ (۲۰۱۷)، علی فیض‌اللهی و خلیل کمربگی (۱۳۹۸ و ۱۴۰۰)، موسی عنبری و سارا غلامیان (۱۳۹۵). همچنین میزان مشارکت در مکان و فضای شهری نیز در پژوهش‌های محمد صالحی فرد و دانا علی‌زاده (۱۳۹۰) و علیزاده اقدم، محمد باقر و همکاران (۱۳۸۹) بررسی شده است. آنچه جنبه نوآوری این پژوهش را نسبت به پژوهش‌های قبل نشان می‌دهد، بررسی تأثیر بی تفاوتی در میزان مشارکت عمرانی و اجتماعی در سطح شهر و نقش و ارتباط دوسویه شهروندان در فضای شهری و گرافیک شهری است.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- به نظر می‌رسد بین بی تفاوتی اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین بی تفاوتی اجتماعی و میزان مشارکت عمرانی رابطه وجود دارد.
- ۳- در بین محلات مختلف، در میزان مشارکت اجتماعی، تفاوت معناداری وجود دارد.
- ۴- در بین محلات مختلف، در میزان مشارکت عمرانی، تفاوت معناداری وجود دارد.

1. Jessica and Lindsay
2. Rubin et al.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش، با توجه به اهداف مورد نظر آن، از روش پیمایشی استفاده و جمع‌آوری اطلاعات با کمک پرسشنامه محقق ساخته و مصاحبه حضوری انجام شده است. سنجش متغیرها از طریق گویه‌هایی که روایی صوری آن از دیدگاه پژوهشگران و صاحب‌نظران علوم اجتماعی تأیید و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ به دست آمده است. جامعه آماری این پژوهش بر سنجش شهروندان در پنج محله شهر است. برای انتخاب افراد نمونه ۴۰۰ نفری از شهروندان شهرستان میمه، به تفکیک مناطق، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و تصادفی ساده اجرا شده است. مشارکت شهری به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده و واحد تحلیل در این پژوهش فرد است.

شاخص‌سازی متغیرهای پژوهش

برای استانداردسازی مقیاس ساخته شده برای اندازه‌گیری تأثیر بی تفاوتی اجتماعی بر مشارکت شهری و گویه‌ها در قالب پرسشنامه تنظیم و در جامعه آماری به شکل تصادفی بین سی نفر از شهروندان شهرستان میمه، بر حسب تفکیک منطقه مورد نمونه، توزیع و با جمع‌آوری داده‌ها بعضی از سؤالات پرسش‌نامه مقدماتی حذف و اصلاح شد که پس از اصلاحات لازم روایی نهایی و شاخص‌های پژوهش در جدول زیر ارائه شده است.

یافته‌ها

در قسمت یافته‌های پژوهش، ابتدا به تحلیل یافته‌های توصیفی مربوط به توزیع فراوانی پاسخگویان جامعه آماری و سپس یافته‌های استنباطی پژوهش (آزمون فرضیه‌ها) پرداخته شده است.

با توجه به فراوانی‌های به دست آمده از جامعه آماری، براساس نظر پاسخگویان در مورد ساخت و سازهای

جدول شماره (۱): شاخص‌ها و روایی متغیر مستقل

متغیر	متغیر مستقل «متغیر» تأثیرگذار بر شرایط شهری»	شاخص	ضریب قابلیت اعتماد	پاسخ‌ها	ضریب روایی
بی تفاوتی اجتماعی		حس مؤثر بودن در زیبایی شهر	اسپیرمن براون	کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم	۰/۷۹
		اعتماد به مسئولان			

جدول شماره (۲): شاخص‌ها و روایی متغیر وابسته

متغیر	ابعاد	شاخص	مفهوم	ضریب قابلیت اعتماد	پاسخ‌ها	ضریب روایی
مشارکت شهری	اجتماعی	مشارکت محلی	عضو گروه‌های NGO	آلفای کرونباخ	همیشه تا اصلاً	۰/۸۶
		مشارکت دولتی	حل مسائل شهری			
	عمرانی	طراحی شهری	توجه به زیبایی محله و شهر	آلفای کرونباخ	خیلی زیاد تا اصلاً	۰/۸۰
		نوسازی	بازسازی منازل			

جدول شماره (۳): من نگران ساخت‌وسازهای بی‌رویه در شهرم

ساخت‌وسازهای بی‌رویه	فراوانی	درصد
کاملاً مخالفم	۱۶	۴/۱
مخالفم	۵۸	۱۴/۸
بی‌نظر	۶۸	۱۷/۳
موافقم	۱۰۹	۲۷/۷
کاملاً موافقم	۱۴۲	۳۶/۱
جمع	۳۹۳	۰/۱۰۰

بی‌رویه در شهر، می‌توان گفت که ۱۴۲ نفر، برابر با ۲۶/۱ درصد، از این امر ناراضی بوده‌اند و ۱۶ نفر، برابر با ۴/۱ درصد، این مسئله را نگران‌کننده نمی‌دانستند. بنابراین، میزان بی‌تفاوتی در جامعه آمار این سؤال بسیار کم بوده است و شهروندان خود را درگیر مسائل ساخت‌وساز نمی‌کرده‌اند. براساس نمونه به‌دست آمده، شهروندان افراد آگاه در جامعه را مسئول مشارکت و خدمت می‌دانستند، به‌طوری که ۱۴۷ نفر، برابر با ۳۵/۱ درصد، با این مسئله موافق بوده‌اند. همچنین ۹۱ نفر، از پاسخگویان برابر با ۲۳/۲ درصد، عملکرد مسئولان را رضایت‌بخش نمی‌دانستند و ۵۳ نفر، برابر با ۱۳/۵ درصد، عملکرد مسئولان را رضایت‌بخش قلمداد

جدول شماره (۴): آگاهی‌هایی که آگاهی بیشتری از جامعه و محیط اطرافشان دارند، سعی می‌کنند در جامعه مشارکت و خدمت مؤثر داشته باشند

درصد	فراوانی	آگاهی انسان‌ها در مشارکت و خدمت به جامعه
۳/۱	۱۲	کاملاً مخالفم
۱۴/۲	۵۶	مخالفم
۲۹/۵	۱۱۶	بی‌نظر
۳۵/۱	۱۳۸	موافقم
۰/۳	۷۰	کاملاً موافقم
۰/۱۰۰	۳۹۳	جمع

جدول شماره (۵): اینکه مردم عوارض شهری را پرداخت می‌کنند یا نه، فرقی به حال من نمی‌کند

درصد	فراوانی	پرداخت عوارض شهرداری
۱۳/۷	۵۴	کاملاً مخالفم
۲۸/۰	۱۱۰	مخالفم
۲۶/۵	۱۰۴	بی‌نظر
۱۸/۶	۷۳	موافقم
۱۳/۲	۵۲	کاملاً موافقم
۰/۱۰۰	۳۹۳	جمع

کرده‌اند. نیز ۱۱۰ نفر، برابر با ۲۸/۱ درصد، پرداخت عوارض را مهم و حداقل پاسخگویان ۵۳ نفر، برابر با ۱۳/۷ درصد، فرقی برایشان نمی‌کرده است که کسی عوارض پرداخت کند. در مقابل حداکثر افراد برابر با ۱۰۶ نفر، ۲۷/۵ درصد، برایشان مهم بوده است که شهری زیبا داشته باشند و کمتر از ۴۴ نفر، برابر با ۱۱/۲ درصد، مخالف داشتن شهری زیبا بوده‌اند. با احتساب حداکثری می‌توان برداشت کرد که در بین جامعه نمونه بی‌تفاوتی اجتماعی در سطح پایینی قرار دارد. بنابر فراوانی‌های به‌دست‌آمده، می‌توان این‌گونه بیان کرد: در صورتی که جمعیت حداقلی آگاه شوند که عوارض پرداخت‌شده برای زیباسازی پروژه‌های عمرانی صرف می‌شود، بی‌تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان جامعه نمونه بسیار کاهش می‌یابد. آمار توصیفی مشارکت اجتماعی و عمرانی به شرح ذیل است:

در تحلیل یافته‌های جامعه آماری متغیر، مشارکت اجتماعی در بین پاسخگویان ۱۱۲ نفر از افراد، برابر با ۲۸/۵ درصد، با معتمدان محل مشورت می‌کنند. این امر برای برقرار کردن رابطه با شهروندان به مسئولان کمک می‌کند. نتیجه به‌دست‌آمده مؤید وجود تعاملات اجتماعی بالا در بین شهروندان منطقه مورد مطالعه است. در میزان مراجعه به مسئولان شهرداری ۹۵ نفر، برابر با ۲۴/۲ درصد، به‌ندرت و ۷۲ نفر، برابر با ۱۸/۳ درصد، همیشه و حداقل افراد

جدول شماره (۶): تا چه حد برای حل مسائل و مشکلات محله‌تان به مسئولان شهر و شورای شهر مراجعه می‌کنید

درصد	فراوانی	دعوت از مسئولان شهرداری و شورای شهر
۱۲/۰	۴۷	اصلاً
۲۳/۲	۹۱	به‌ندرت
۲۳/۷	۹۳	گاهی
۲۴/۲	۹۵	اغلب
۱۶/۵	۶۵	همیشه
۰/۱۰۰	۳۹۳	جمع

جدول شماره (۷): تا چه حد با مسئولان شهری در انجام سریع پروژه شهری همکاری می‌کنید

درصد	فراوانی	همکاری در پروژه‌های شهرداری
۲۸/۲	۱۱۱	خیلی زیاد
۲۱/۶	۸۵	زیاد
۲۰/۶	۸۱	متوسط
۱۰/۷	۴۲	کم
۹/۷	۳۸	خیلی کم
۹/۲	۳۶	اصلاً
۰/۱۰۰	۳۹۳	جمع

جدول شماره (۸): تا چه حد دوست دارید در میدان نزدیک محله‌تان نشانه‌ها یا تصاویر خاطره‌انگیز نصب شود

درصد	فراوانی	نشانه یا تصاویر خاطره‌انگیز
۱۷/۰	۶۷	خیلی زیاد
۳۰/۳	۱۱۹	زیاد
۲۸/۵	۱۱۲	متوسط
۱۱/۵	۴۵	کم
۹/۷	۳۸	خیلی کم
۳/۱	۱۲	اصلاً
۰/۱۰۰	۳۹۳	جمع

جدول شماره (۹): خانه‌های محله شما تا چه حد نیاز به بازسازی و تعمیر ملک دارد

بازسازی ملک	فراوانی	درصد
خیلی زیاد	۸۵	۲۱/۶
زیاد	۸۴	۲۱/۴
متوسط	۱۱۳	۲۸/۸
کم	۳۹	۹/۹
خیلی کم	۴۳	۱۰/۹
اصلاً	۲۹	۷/۴
جمع	۳۹۳	۰/۱۰۰

جدول شماره (۱۰): برای عریض تر شدن خیابان منتهی به خانه‌تان تا چه حد حاضر به عقب‌نشینی‌اید

عقب‌نشینی برای خیابان	فراوانی	درصد
خیلی زیاد	۵۷	۱۴/۵
زیاد	۶۴	۱۶/۳
متوسط	۱۰۶	۲۷/۰
کم	۵۶	۱۴/۲
خیلی کم	۶۳	۱۶/۰
اصلاً	۴۷	۱۲/۰
جمع	۳۹۳	۰/۱۰۰

زیاد و ۸۵ نفر، برابر با ۲۱/۶ درصد، زیاد، حاضرند با مسئولان شهرداری و شورای شهر، برای برطرف کردن مشکلات و زیباسازی شهر، همکاری کنند که این امر میزان بالای مشارکت شهروندان مورد مطالعه جامعه آماری را نشان می‌دهد و تنها ۳۶ نفر، برابر با ۹/۲ درصد، اصلاً حاضر به همکاری نیستند که با افزایش سطح سرمایه اجتماعی (میزان اعتماد متقابل مسئولان و مردم به یکدیگر) این عدم مشارکت کاهش می‌یابد. در بررسی مشارکت عمرانی از میان گویه‌های موجود ۱۱۳ نفر، برابر با ۲۸/۸ درصد، در

۴۵ نفر، برابر با ۱۱/۵ درصد، اصلاً به شهرداری یا شورای شهر مراجعه نکرده‌اند. حضور افراد در این سازمان‌ها نشان‌دهنده امید شهروندان جامعه آماری به برطرف شدن مشکلاتشان به دست مسئولان است. حداکثر افراد حدود ۹۳ نفر، برابر با ۲۳/۷ درصد، کمتر مسئولان را برای طرح مشکلات محله‌شان در جلسات محلی دعوت می‌کنند. این امر نیازمند برقراری رابطه بالای مسئولان شهرداری، به‌ویژه شورای شهر، با شهروندان محلات مختلف شهر است. چراکه حداکثر افراد حدود ۱۱۱ نفر، برابر با ۲۸/۲ درصد، خیلی

جدول شماره (۱۱): مدل رگرسیونی میزان مشارکت اجتماعی

Sig	T	Constant	Beta	B	Sig	F	R ²	R	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰/۰۰۱	۳/۴۲۰	۱۶/۰۵۵	۰/۱۷۱	۰/۲۴۳	۰/۱۰۰	۱۱/۹۶۳	۰/۰۲۹	۰/۱۷۱	میزان مشارکت اجتماعی	بی تفاوتی اجتماعی

جدول شماره ۱۲: مدل رگرسیونی میزان مشارکت عمرانی

Sig	T	Constant	Beta	B	Sig	F	R ²	R	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰/۰۰۰	۴/۲۸۲	۲۴/۰۰۸	۰/۲۱۲	۰/۳۴۲	۰/۰۰۰	۱۸/۳۳۶	۰/۰۴۵	۰/۲۱۲	میزان مشارکت عمرانی	بی تفاوتی اجتماعی

جدول شماره (۱۳): آنوا (Anova)

	Sum of squares	Df	Mean squares	F	Sig
Between Groups	۵۴۰/۲۱۲	۴	۱۳۵/۰۵۳	۶/۵۶۲	۰/۰۰۰
Within Groups	۷۹۸۵/۳۲۰	۳۸۸	۲۰/۵۸۱		
Total	۸۵۲۳/۵۳۲	۳۹۲			

شهر با تجمع زباله روبه‌رو می‌شوند و تنها ۱۲ نفر، برابر با ۳/۱ درصد، در شهر شاهد تجمع آشغال و زباله نیستند. برطرف کردن این مشکل منوط است به افزایش زباله‌های سطح شهر به‌خصوص در کنار بازار میوه و جمع‌آوری به‌موقع زباله‌ها در سطح شهر بدون وجود تفاوت بین محلات.

۱۰۳ نفر، برابر با ۲۸/۷ درصد، وجود سطل زباله در سطح شهر و میزان فاصله آنها را با یکدیگر متوسط ارزیابی کرده‌اند و ۶۴ نفر، برابر با ۱۶/۳ درصد، فاصله سطل‌های زباله را زیاد دانسته‌اند. در مورد طراحی و مبلمان شهری ۱۱۹ نفر، برابر با ۳۰/۳ درصد، علاقه‌مند به وجود تصاویر و المان‌ها در سطح شهرند و ۱۱۲

جدول شماره (۱۴): آزمون مقایسه میانگین بین محلات در مشارکت اجتماعی

محله شهری (I)	محله شهری (J)	Mean Difference (I-J)	Std. Error	Sig.	95% Confidence Interval	
					Lower Bound	Upper Bound
آزادی	سعدی	۱,۱۹۳۷۱*	.۵۳۹۰۸	.۰۲۷	۲,۲۵۳۶-	-۱,۳۳۸
	طالقانی	۱,۰۵۰۱۵*	.۵۱۱۵۰	.۰۴۱	.۰۴۴۵	۲,۰۵۵۷
	بهشتی	-.۴۳۴۶۶	.۴۸۱۰۶	.۳۶۷	۱,۳۸۰۵-	.۵۱۱۲
	سازمانی	.۸۹۱۴۸	.۶۲۸۸۱	.۱۵۷	-۳,۴۴۸	۲,۱۲۷۸
سعدی	آزادی	۱,۱۹۳۷۱*	.۵۳۹۸۰	.۰۲۷	.۱۳۳۸	۲,۲۵۳۶
	طالقانی	۲,۲۴۳۸۷*	.۵۰۷۴۳	.۰۰۰	۱,۲۴۶۲	۳,۲۴۱۵
	بهشتی	.۷۵۹۰۵	.۴۷۶۷۳	.۱۱۲	-۱,۷۸۳	۱,۶۹۶۴
	سازمانی	۲,۰۸۵۱۹*	.۶۲۵۵۰	.۰۰۱	.۸۵۵۴	۳,۳۱۵۰
طالقانی	آزادی	۱,۰۵۰۱۵*	.۵۱۱۵۰	.۰۴۱	۲,۰۵۵۸-	-۰,۴۴۵
	سعدی	۲,۲۴۳۷۸*	.۵۰۷۴۳	.۰۰۰	۳,۲۴۱۵-	۱,۲۴۶۲-
	بهشتی	۱,۴۸۴۸۳*	.۴۴۵۳۱	.۰۰۱	۲,۳۶۰۴-	-۰,۶۰۹۳
	سازمانی	-۱,۵۸۶۷	.۶۰۱۹۰	.۷۹۲	۱,۳۴۲۱-	۱۰,۲۴۷
بهشتی	آزادی	.۴۳۴۶۶	.۴۸۱۰۶	.۳۶۷	-.۵۱۱۲	۱,۳۸۰۵
	سعدی	-.۷۵۹۰۵	.۴۷۶۷۳	.۱۱۲	۱,۶۹۴۶-	.۱۷۸۳
	طالقانی	۱,۴۸۴۸۳*	.۴۴۵۳۱	.۰۰۰	.۶۰۹۳	۲,۳۶۰۴
	سازمانی	۱,۳۲۶۱۴*	.۵۷۶۲۵	.۰۲۲	.۱۹۳۲	۲,۴۵۹۱
سازمانی	آزادی	-.۸۹۱۴۸	.۶۲۸۸۱	.۱۵۷	۲,۱۲۷۸-	.۳۴۴۸
	سعدی	۲,۰۸۵۱۹*	.۶۲۵۵۰	.۰۰۱	۳,۳۱۵۰-	-۸۵۵۴
	طالقانی	.۱۵۷۶۷	.۶۰۱۹۰	.۷۹۲	۱,۰۲۴۷-	۱,۳۴۲۱
	بهشتی	۱,۳۲۶۱۴*	.۵۷۶۲۵	.۰۲۲	۲,۴۵۹۵-	-۱,۹۳۲

*. The mean difference is significant at the 0.05 level.

نفر، برابر با ۲۸/۵ درصد، متوسط و تنها از نظر ۱۲ نفر، برابر با ۳/۱ درصد، معتقدند که اصلاً به وجود المان در سطح شهر نیازی نیست. از نظر کاشت درخت، که هم در زیبایی شهر مؤثر است و هم در فضای سبز، ۹۱ نفر، برابر با ۲۳/۲ درصد، خیلی زیاد و ۸۲ نفر، برابر با ۲۱/۱ درصد، زیاد به کاشت درخت اهمیت داده‌اند و تنها ۲۴ نفر، برابر با ۶/۱ درصد، به کاشت درخت نیازی ندیده‌اند.

بررسی فرضیه‌های پژوهش در مدل رگرسیونی
فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین بی‌تفاوتی اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی رابطه وجود دارد.
در جدول شماره (۱۱)، ستون مربوط به میزان

همبستگی چندگانه بین متغیر مستقل و وابسته را نشان می‌دهد و ستون مربوط به میزان تبیین واریانس متغیر وابسته توسط متغیر مستقل را نشان می‌دهد. به عبارتی، متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی توانسته است ۲/۹ درصد تغییرات متغیر میزان مشارکت اجتماعی را تبیین کند. با توجه به مشاهده‌های به‌دست‌آمده در جدول فوق مقدار sig مربوط به F کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. بنابراین، فرض H_1 تأیید می‌شود، به این معنا که رابطه خطی بین متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی وجود دارد.

بی‌تفاوتی اجتماعی = $167055 +$ میزان مشارکت اجتماعی $0/243$

در جدول بالا Beta ضریب تأثیر استاندارد را نشان می‌دهد. در واقع این ضریب تأثیر نشان می‌دهد که تغییر یک انحراف استاندارد در متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی باعث تغییر ۰/۱۷۱ انحراف استاندارد در متغیر میزان مشارکت اجتماعی می‌شود.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین بی‌تفاوتی اجتماعی و میزان مشارکت عمرانی رابطه وجود دارد.

در جدول شماره (۱۲)، ستون مربوط به میزان همبستگی چندگانه بین متغیر مستقل و وابسته را نشان می‌دهد. به عبارتی، متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی توانسته است ۴/۵ درصد تغییرات متغیر میزان مشارکت عمرانی را تبیین کند. با توجه به مشاهده‌های به‌دست‌آمده در جدول فوق مقدار sig مربوط به F کوچک‌تر از ۰/۰۵ است.

بنابراین، فرض H_1 تأیید می‌شود، به این معنا که رابطه خطی بین متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی و میزان مشارکت عمرانی وجود دارد.

بی‌تفاوتی اجتماعی = $24/008 +$ میزان مشارکت عمرانی $0/342$

در جدول شماره (۱۲)، Beta ضریب تأثیر استاندارد را

نشان می‌دهد. در واقع این ضریب تأثیر نشان می‌دهد که تغییر یک انحراف استاندارد در متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی باعث تغییر ۰/۲۱۲ انحراف استاندارد در متغیر میزان مشارکت عمرانی می‌شود.

فرضیه سوم: در بین محلات مختلف، در میزان مشارکت اجتماعی، تفاوت معناداری وجود دارد.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت که میانگین‌ها با هم تفاوت دارند. همچنین مقدار F و سطح معناداری به‌دست‌آمده کمتر از ۰/۰۵ است. در نتیجه فرض صفر رد شده و فرض پژوهش مبنی بر تفاوت در میزان مشارکت اجتماعی در بین محلات تأیید شده است.

در بررسی نتایج تحلیلی-تعقیبی میانگین‌های تحلیل واریانس تفاوت در میزان مشارکت اجتماعی در بین محلات، نتایج آزمون نشان می‌دهد که در پنج محله مورد بررسی بیشترین تفاوت میانگین بین محله سعدی و طالقانی با اختلاف میانگین ۲,۲۴۳۸۷ بود که این تفاوت معنادار است. همچنین تفاوت محله طالقانی و بهشتی با اختلاف میانگین ۱,۴۸۴۸۲ معنادار است. اختلاف میانگین بین محله سازمانی و سعدی ۲,۰۸۵۱۹ بود که معنادار است. بنابراین، بیشترین مشارکت اجتماعی متعلق به شهروندان محله سعدی است.

فرضیه چهارم: در بین محلات مختلف، در میزان مشارکت عمرانی، تفاوت معناداری وجود دارد.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت که میانگین‌ها با هم تفاوت دارند. همچنین مقدار F و سطح معناداری به‌دست‌آمده، کمتر از ۰/۰۵ است و نشان‌دهنده این مطلب است که فرض صفر رد شده و فرض پژوهش مبنی بر تفاوت در میزان مشارکت عمرانی در بین محلات تأیید شده است.

جدول شماره (۱۵): آنوا (Anova)

	Sum of squares	Df	Mean squares	F	Sig.
Between Groups	۱۱۰۶/۱۴۹	۴	۲۷۶/۵۳۷	۱۰/۹۴۰	۰/۰۰۰
Within Groups	۹۸۰۷/۹۳۲	۳۸۸	۲۵/۲۷۸		
Total	۱۰۹۱۴/۰۸۱	۳۹۲			

جدول شماره (۱۶): آزمون مقایسه میانگین بین محلات در مشارکت عمرانی

محلۀ شهری (I)	محلۀ شهری (J)	Mean Difference (I-J)	Std. Error	Sig.	95% Confidence Interval	
					Lower Bound	Upper Bound
آزادی	سعدی	۱,۹۲۱۰۰*	.۴۷۰۰۷	.۰۰۰	.۹۹۶۸	۲,۸۴۵۲
	طالقانی	۲,۰۵۰۵۲*	.۴۷۶۰۳	.۰۰۰	۱,۱۷۸۳	۲,۹۳۲۱
	بهشتی	.۶۶۳۱۳	.۴۱۸۲۴	.۱۱۴	-۱,۰۵۹۲	۱,۴۸۵۴
	سازمانی	.۶۲۲۴۸	.۵۴۸۳۲	.۲۵۷	-۴۵۵۶	۱,۷۰۰۵
سعدی	آزادی	۱,۹۲۱۰۰*	.۴۷۰۰۷	.۰۰۰	۲,۸۴۵۲-	-۰,۹۹۶۸
	طالقانی	.۱۳۴۲۰	.۴۴۲۸۴	.۷۶۲	-۰,۷۳۵۸	۱,۰۰۴۲
	بهشتی	۱,۲۵۷۴۷*	.۴۱۴۴۴	.۰۰۳	۲,۰۷۲۷-	-۰,۴۴۳۰
	سازمانی	۱,۲۹۸۵۲*	.۵۴۵۴۴	.۰۱۸	۲,۳۷۰۹-	-۰,۲۲۶۱
طالقانی	آزادی	۲,۰۵۵۲۰*	.۴۴۶۰۳	.۰۰۰	۲,۹۳۲۱-	۱,۱۷۸۳-
	سعدی	-۰,۱۳۴۲۰	.۴۴۲۸۴	.۷۶۲	۱,۰۰۴۲-	.۷۳۸۸
	بهشتی	۱,۳۹۲۰۷*	.۳۸۶۹۷	.۰۰۰	۲,۱۵۲۹-	-۰,۶۳۱۳
	سازمانی	۱,۴۳۲۷۲*	.۵۲۴۸۶	.۰۰۷	۲,۴۶۴۶-	-۰,۴۰۰۸
بهشتی	آزادی	-۰,۶۶۳۱۳	.۴۱۸۲۴	.۱۱۴	۱,۴۸۵۴-	.۱۵۹۲
	سعدی	۱,۲۵۷۴۷*	.۴۱۴۴۴	.۰۰۳	.۴۴۳۰	۲,۰۷۰۲
	طالقانی	۱,۳۹۲۰۷*	.۳۸۹۶۷	.۰۰۰	.۶۳۱۳	۲,۱۵۲۹
	سازمانی	-۰,۰۴۰۶۵	.۵۰۱۴۶	.۹۳۵	۱,۰۲۶۶-	.۹۴۵۳
سازمانی	آزادی	-۰,۶۲۲۴۷	.۵۴۸۳۲	.۲۵۷	۱,۷۰۰۵-	.۴۵۵۶
	سعدی	۱,۲۹۸۵۲*	.۵۴۵۴۴	.۰۱۸	.۲۲۶۱	۲,۳۷۰۹
	طالقانی	۱,۴۳۲۷۲*	.۵۲۴۶۶	.۰۰۷	.۴۰۰۸	۲,۴۶۴۶
	بهشتی	.۰۴۰۶۵	.۵۰۱۴۶	.۹۳۵	-۰,۹۴۵۳	۱,۰۲۶۶

* The mean difference is significant at the 0.05 level.

در بررسی نتایج تحلیلی تعقیبی میانگین‌های تحلیل واریانس تفاوت در میزان مشارکت عمرانی در بین محلات، نتایج آزمون نشان می‌دهد که در پنج محله مورد بررسی بیشترین تفاوت میانگین بین محله آزادی و طالقانی با اختلاف میانگین ۲,۰۵۰۵۲ بوده که این تفاوت معنادار است. همچنین تفاوت سعدی و آزادی با اختلاف میانگین ۱,۹۲۱۰۰ معنادار است. تفاوت میانگین بین محله طالقانی، آزادی منفی اما معنادار است. محله بهشتی و سعدی با اختلاف میانگین ۱,۲۵۷۴۷ نیز معنادار است. بنابراین، بیشترین مشارکت عمرانی متعلق به شهروندان محله آزادی است.

نتیجه‌گیری

شهر فضایی است که تحرک، تداوم و توسعه از مشخصات بارز آن به شمار می‌آید و ناگزیر از تحرک و توسعه در فضای مکانی است. فضاهای شهری به دلیل جوانب فیزیکی و کالبدی خود، نوعی فضای نمادین، ادراکی، مادی و حقیقی است که با شهر و کالبد شهر پیوندی عمیق دارد. بنابراین، فضای شهری عنصری هویت‌بخش از یک شهر تلقی می‌شود، به طوری که اغلب شهرهای بزرگ را می‌توان به واسطه فضاهای شهری آن بازشناخت. این پژوهش به دنبال سنجش بی‌تفاوتی اجتماعی و تأثیر آن بر میزان مشارکت شهری در ابعاد اجتماعی و عمرانی در بین شهروندان میمه است. نتایج فراوانی جامعه آماری در پاسخ به سؤال پژوهش مبنی بر اینکه «تا چه حد شهروندان به طراحی شهر (مبلمان شهری) در سطح شهر اهمیت می‌دهند؟»، نشان‌دهنده این امر است که عدم آگاهی شهروندان نسبت به مسائل زیباسازی شهر و عدم آگاهی از پرداخت عوارض شهرداری باعث گسترش بی‌تفاوتی شهروندان می‌شود. بنابراین، ساخت نمادهای شهری براساس هویت شهر، نوع پیام‌های

حکیمانه و مفاهیم حقوق شهروندی در بیلبردهای شهری حائز اهمیت است؛ زیرا از یک‌سو، تأثیر این فضا را بر سطح آگاهی شهروندان و از سوی دیگر، توجه و تأثیرپذیری شهروندان از کیفیت و تنوع مبلمان شهری و فضای‌های گرافیک شهری را نشان می‌دهد که به افزایش مشارکت محلی و شهری منجر می‌شود و نشان‌دهنده رابطه متقابل فضای شهری با زندگی شهری است.

همچنین نتایج حاصل آزمون‌های آماری در پاسخ به سؤال پژوهش مبنی بر اینکه «تا چه حد بی‌تفاوتی اجتماعی بر مشارکت در بخش عمرانی در شهرستان میمه تأثیر دارد؟»، نتایج مدل رگرسیون نشان داده است که بین متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی و میزان مشارکت عمرانی رابطه خطی وجود دارد. همچنین در پاسخ به سؤال پژوهش مبنی بر اینکه «آیا میزان مشارکت شهروندان در بخش عمرانی و اجتماعی در مناطق شش‌گانه شهرستان میمه متفاوت است؟»، نتایج آزمون آنوا نشان داده است که میانگین بی‌تفاوتی در محلات با یکدیگر تفاوت دارند که این امر به تفاوت در میزان مشارکت عمرانی در بین محلات منجر شده است. بنابراین، پیشنهادهایی برای افزایش آگاهی و مشارکت شهروندان ارائه می‌شود:

- افزایش سطح سرمایه اجتماعی از سوی مسئولان شهری برای تمایل به مشارکت شهری (جلوگیری از عدم ارتباط شهروندان با مسئولان در درخواست‌های عمرانی)؛
- مشارکت مردم در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های شهری و ارائه نظرات اصلاحی در خصوص آنها (توجه به زمان‌بندی‌های جمع‌آوری زباله یا نصب آلمان در شهر با نظرسنجی شهروندان)؛
- اصلاح مقررات در تسهیل و آگذاری امور به مردم و

در نظر گرفتن سیستم نظارتی بر مدیریت شهری (در حوزه مشارکت عمرانی شهروندان)؛

• آموزش کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت جوانان و نوجوانان در زمینه جلب مشارکت آنان در امور شهری؛

• انتشار و پخش بروشورهای اطلاع رسانی از طرف سازمان های ذی ربط (جهت آگاهی از اهمیت پرداخت عوارض شهری در امور شهری)؛

• توزیع مناسب انواع مبلمان شهری در سطح شهر (افزایش هویت یابی شهری و کاهش بی تفاوتی شهروندان) طبق دیدگاه های نظریه پردازان شهری.

اگر قرار است شعور شهری شناخته شود، باید به مبلمان آن شهر نگاه کرد؛ زیرا این عناصر لبخند را به لب مردم می آورند و برای آنها پیام آور احساس آرامش و امنیت اند و این امر نشان از عملکرد موفق شهرداری و سازمان های مرتبط با آن است که بی تفاوتی مردم را در امور شهری کاهش می دهد؛

• توجه یکسان به فضای شهری، مبلمان شهری و گرافیک شهری برای افزایش سطح مشارکت در تمامی محلات؛ زیرا عناصر نمادین یک شهر بر منظر و سیمای شهر تأثیر گذار می گذارد و آن را در دو قالب مدرن و تاریخی (یا حداقل با پس زمینه های تاریخی)

شکل می دهد و به همه افراد در هر محله ای، از شهری که در آن زندگی می کنند، حس مشترک القا می کند؛

• رعایت توزیع مناسب فضای سبز هماهنگ با ظرفیت محیط و تعداد کاربران آن (تمایل شهروندان به حفظ فضای سبز)، تشویق جهاد کشاورزی با همکاری معتمدان برای جلب مشارکت شهروندان در کاشت درخت و یاری گرفتن از گروه های محلی برای کاشت درخت در مسیرهای محلی یا جاده ای که به آب زیاد نیاز ندارد.

منابع

۱. پوراکبر، حمیدرضا، عباس زاده، شهاب (۱۴۰۰)، «مفهوم منظر شهری جهت ارتقاء میزان خاطره انگیزی در فضای شهری: هنر و معماری»، نشریه معماری شناسی، بهار، شماره ۱۸، صص ۸۸ - ۱.

۲. پورذکریا، مریم (۱۳۹۷)، «قطب، خلاق فرهنگی، نگرشی نو در بازآفرینی فرهنگ، معنا، بررسی و تحلیل قطب خلاق فولکستن»، کنفرانس عمران، معماری و شهرسازی کشورهای جهان اسلام، شهریور، سند علمی CAUCONF01_0817.

۳. دورکیم، امیل (۱۴۰۴)، خودکشی، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ چهارم، صص ۹۸.

۴. رضایی، فرامرز، چیت ساز، محمدعلی و شاپور، بهیان (۱۳۹۹)، «بررسی گرافیک شهری با مباحث اجتماعی و اقتصادی و تأثیر آن بر بی تفاوتی سیاسی شهروندان»، نشریه مطالعات هنر اسلامی، شماره ۴۵، دوره ۱۹، صص ۲۳۹ - ۲۵۸.

۵. سفیری، خدیجه، حاجتی کرمانی، سوده (۱۳۹۹)، «بررسی جامعه شناختی بی تفاوتی اجتماعی در تهران»، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، پاییز، دوره ۶۱، شماره ۱۶، صص ۱۱۳.

۶. ستوده، هدایت الله (۱۳۹۲)، آسیب شناسی اجتماعی؛ جامعه شناسی انحرافات، چاپ بیست و دوم، تهران: انتشارات آوای نور، صص ۲۴۳.

۷. شکوئی، حسین (۱۳۹۹)، دیدگاه های نو در جغرافیای شهری، جلد اول، چاپ بیستم، تهران: انتشارات آگاه، صص ۳۲۰.

۸. شهاب سامانی، محسن (۱۳۹۵)، «مطالعه تطبیقی بی تفاوتی اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه های اصفهان و یزد با تأکید بر سرمایه اجتماعی (پایان نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهشگری اجتماعی)»، دانشگاه یزد، پردیس علوم انسانی و اجتماعی.

۹. عنبری، موسی، غلامیان، سارا (۱۳۹۵)، «تبیین جامعه شناختی عوامل مرتبط با بی تفاوتی اجتماعی»، مجله علمی-پژوهشی بررسی مسائل اجتماعی ایران، پاییز ۱۳ (۷)، شماره ۲، صص ۱۳۳.

Participation, Mass Media Use, Social Capital, and Political Participation (Dissertation), Cornell University, UAS.P:96.

Murty, J.; Paneb, M. (2013). Apathy towards Environmental Issues, Narcissism, and Competitive View of the World, *Procedia, Social and Behavioral Sciences*, Vol. 101, pp. 44 – 52.

Macdonald, Iaura (2000) *Citizenship Participation the Public sphere in the Americans University*.

Munch, Richard (1998) *Understanding Modernity*. London: m: Routledge. p: 68.

Mutz, D.C., 2005, *Social Trust and E Commerce: Experimental Evidence for Social Trust in Individuals, Economic Behavior, Public Opinion Quarterly*, Vol. 69, No.3, P.393.

Marshal, M., 2004, *Citizen Participation and the Neighborhood Context: a New at the Corproduction of Local Public Goods*, *Political Research Quarterly*, Vol. 57, No. 2, P.238.

Oxford Advanced Learners (2008s).

Paxton, Pamela (1999), "Is social capital docling in the United State?", *A Multiple Indicator Assessment*. *AJS*, Vol. 105, No. 1.

Rubin M.; Badea C.; Condie J.; Mahfud Y.; Morrison T.; Peker M. (2017). Individual differences in collectivism predict city identification and city evaluation in Australian, French, and Turkish cities, *Journal of Environmental Psychology*, Vol. 50, pp. 9-16

Sarfaraz, A, Ahmed, sh. (2012). Reasons for political interest and apathy among university students: A Qualitative study. *Pakistan journal of social psychology*, vol 10, no, 1, 61-67.

Schubler, Peter (1996) *Participation and Partnership in urban management and Infrastructure*. Washington D. C: Programme by world Bank

۱۰. فیض‌اللهی، علی، کمربگی، خلیل (۱۴۰۰)، «ریشه‌ها و پیامدهای پدیده بی‌تفاوتی اجتماعی (مطالعه موردی شهروندان استان ایلام)»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، پاییز، ۱۴(۳)، ۱۷۹-۱۵۱، پیاپی ۵۵، ص ۱۵۱.

۱۱. فیض‌اللهی، علی، کمربگی، خلیل (۱۴۰۰)، «شناسایی و اولویت‌بندی مسائل و آسیب‌های اجتماعی استان ایلام»، *فصلنامه علمی-پژوهشی راهبردهای اجتماعی و فرهنگی تابستان*، سال دهم، شماره ۳۹، صص ۲۷۸-۳۱۷.

۱۲. فولادیان، احمد (۱۳۹۹)، «بررسی رابطه بین بیگانگی اجتماعی و میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد واحد مشهد»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، بهار، سال پنجم، شماره هفدهم، صص ۱۲۵-۱۴۴.

۱۳. کریمی، رضا، محسنی تبریزی، علی رضا و نوابخش، مهرداد (۱۳۸۷)، «تبیین جامعه‌شناختی مشارکت جوانان، علل، صور و چالش‌ها (مورد مطالعه: شهر تهران)»، *مجله علمی-پژوهشی مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، آذر، دوره ۱۵، شماره ۳۳، صص ۹-۴۴.

Ahmad.S.2015. Rols of socioeconomic ststus and political participation in construction of apathy among youth. *Journal Of Human Behavior in the Social Environment*, 25(8), 801-809.

Courtis, S (2002) "Le patriotisme constitutionnel de Habermas face au nationalisme qubecois" In *Dialogue*, XLI, pp. 765-94.

Charuvichaipong, Chanisada and Sajor, Edsel (2006) Promoting waste separation for Recycling and local gouvernace in Thailand, *Habitat International*, 30.

Deriscol, J. W., 1978, Trust and Participation, *Academy of Management Journal*, Vol. 21, No.1, PP.44-56.

Degler, H. (1998), *Parentel Roles Moder, Gender and Education*.

Edwards, J. N. & Booth, A., 1973, *Social Participation in Urban Society*, Schekman Publishing Company, Cambridge, Massachusetts. P: 210.

Lee, E., 2006, *Asocial Resource Model of Political*

Schatzow, Steven. (1977). The Influence of Publican Federal Environment, Decision Making in Canada in public participation in planning.

Silverman, R. M, 2006, Central City Socioeconomic Characteristics and Public Participation Strategies, A Comparative Analysis of the Niagara Falls Region's Municipalities in the USA and Canada, International Journal of Sociology and Social Policy, Vol. 26, No. 3/4, P:143.